



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مدیریت کل نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری

«اداره مطالعات و مقررات بانکی»

رویه‌های موثر مدیریت نقدینگی بانکها

از انتشارات کمیته نظارت بر بانکداری

بانک تسویه بین‌المللی

(فوریه ۲۰۰۰)

مترجمین:

صدیقه رهبر شمس‌کار

و

مهرناز فریدونی

گروه مطالعاتی: بانکی و اعتباری

خردادماه ۱۳۸۴

## فهرست عناوین:

صفحه

### بخش اول:

۱	۱- مقدمه
۳	اصول ارزیابی مدیریت نقدینگی بانکها
۳	گسترش یک ساختار مدیریت نقدینگی
۴	اندازه‌گیری و مراقبت خالص وجوه مورد نیاز
۵	مدیریت دسترسی به بازار
۵	برنامه‌ریزی اقتضایی
۵	مدیریت نقدینگی پول خارجی
۶	کنترل‌های داخلی برای مدیریت ریسک نقدینگی
۶	نقش افشای اطلاعات برای بهبود نقدینگی
۶	نقش ناظرین بانکی

### بخش دوم:

۷	۲- مدیریت مستمر نقدینگی
۷	الف - گسترش ساختار مدیریت ریسک نقدینگی
۱۵	ب - اندازه‌گیری مراقبت خالص وجوه مورد نیاز
۲۲	دارایی‌ها
۲۷	بدهی‌ها
۳۱	فعالیت‌های زیر ترازنامه
۳۲	فرضیات دیگر

۳۴ ج - مدیریت دسترسی به بازار

۳۶ د - برنامه ریزی اقتضایی

۳۶ الف - راهکارها

۳۸ ب - پشتوانه نقدینگی

۳۹ ج - برنامه های تبدیل دارایی به اوراق بهادار

### بخش سوم:

۴۱ ۳- مدیریت نقدینگی پول های خارجی

۴۲ الف - تامین مالی دارایی های بر حسب پول محلی با پول خارجی

۴۳ ب - تامین مالی دارایی های بر حسب پول خارجی

۴۶ ۴- کنترل های داخلی برای مدیریت ریسک نقدینگی

۴۹ ۵- نقش افشای اطلاعات در بهبود نقدینگی

۵۰ ۶- نقش ناظرین بانکی

۵۴ ماخذ

بسمه تعالی

## رویه‌های موثر مدیریت نقدینگی در بانک‌ها

### بخش اول – مقدمه

۱- مدیریت نقدینگی، یا توانایی افزایش وجوه و انجام به موقع تعهداتی که سررسید آنها فرا می‌رسد، قطعاً لازمهٔ ادامهٔ حیات بانک‌ها است. بنابراین، مدیریت نقدینگی از اهم اموری است که توسط بانک‌ها انجام می‌شود. مدیریت مناسب نقدینگی می‌تواند از احتمال وقوع مشکلات جدی بانک بکاهد. در واقع باتوجه به اینکه کمبود نقدینگی در یک بانک می‌تواند پیامدهای گسترده سیستمی دربرداشته باشد، اهمیت نقدینگی برای هر بانک و برای هر موضوع دیگری است.

از این رو، تجزیه و تحلیل نقدینگی نه فقط مدیریت بانک را ملزم می‌کند وضعیت نقدینگی بانک را بطور مستمر ارزیابی کند بلکه وی را وادار می‌کند که بررسی نماید تامین نیازهای نقد، تحت سناریوهای متفاوت، از جمله در شرایط نامطلوب، چگونه امکان‌پذیر است.

۲- کمیته نظارت بر بانکداری بال، مطالعات خود در زمینه نظارت بر نقدینگی را به یافتن راهی معطوف نموده که از طریق آن، بانک‌ها براساس رویه‌ای یکپارچه و کلی نقدینگی خود را اداره کنند. فن‌آوریها و نوآوریهای مالی اخیر، راههای جدیدی را برای تامین مالی و مدیریت نقدینگی پیش روی بانک‌ها قرار داده است.

علاوه بر این، کاهش قدرت اتکای بانکها به سپرده‌های اصلی، افزایش اتکای آنها به وجوه عمده و نابسامانیهای اخیر بازارهای مالی جهان، نگرش بانکها را نسبت به نقدینگی تغییر داده است و تمامی این تغییرات به چالش‌های جدیدی برای بانکها بدل گردیده است.

۳- باتوجه به این واقعیت که رویه‌های استاندارد برای مدیریت نقدینگی بانکها، از زمان انتشار گزارشی تحت عنوان "چارچوبی برای اندازه‌گیری و مدیریت نقدینگی" (در سپتامبر سال ۱۹۹۲)، تاکنون تغییراتی نموده است، کمیته بال در حال به هنگام نمودن گزارش مذکور است. این گزارش توجه خود را به اصول مهم و عناصر کلیدی مدیریت موثر نقدینگی معطوف داشته است.

۴- روشها و پیچیدگی فرآیندی که برای مدیریت نقدینگی بکار می‌رود به اندازه و پیچیدگی بانک و نیز ماهیت و پیچیدگی فعالیت‌های آن بستگی دارد. در عین حال که این گزارش، بیشتر متوجه بانک‌های بزرگ است ولی اصول مطروحه در آن، برای کلیه بانکها کاربرد دارد. سیستم‌های مناسب اطلاعات مدیریت تجزیه و تحلیل خالص نیازهای مالی تحت سناریوهای جایگزین، بویژه، منابع تامین مالی و برنامه‌های اقتضایی، برای مدیریت قوی نقدینگی در یک بانک با هر اندازه و گستره فعالیت از عناصر ضروری محسوب می‌گردند. اگرچه اصولاً بانک‌های کوچکتر نسبت به بانک‌های بزرگتر و پیچیده‌تر و آنها که در بازارهای کمتری فعال هستند، منابع کمتری جذب می‌کنند ولی سیستم‌های اطلاعات مدیریت و تجزیه و تحلیل برای اجرای این رویکرد ضروری است.

۵- همگام با چندین مقاله که اخیراً توسط کمیته بال، منتشر شده است این گزارش حول چند اصل اساسی مدیریت نقدینگی تنظیم شده است. این اصول عبارتند از:

### **اصول ارزیابی مدیریت نقدینگی بانکها**

#### **گسترش یک ساختار مدیریت نقدینگی**

##### **اصل اول:**

هر بانک باید راهکار تایید شده‌ای برای مدیریت روز به روز نقدینگی داشته باشد. این راهکار باید به کلیه واحدهای بانک ابلاغ شود.

##### **اصل دوم:**

هیات مدیره بانک باید راهکار و اصول مربوط به مدیریت نقدینگی را تصویب کند. همچنین باید اطمینان حاصل کند که مدیریت ارشد، اقدامات لازم را در مورد مراقبت و کنترل ریسک نقدینگی انجام داده است. هیات مدیره باید بطور مرتب اطلاعات مربوط به وضعیت نقدینگی بانک را دریافت نماید و در صورت هرگونه تغییری در وضعیت جاری و دورنمای آتی نقدینگی بانک، سریعاً در جریان امر قرار گیرد.

##### **اصل سوم:**

هر بانک باید ساختار مدیریتی ایجاد کند تا راهکار نقدینگی خود را بطور موثر اجرا کند. این ساختار باید پیگیری مستمر مدیریت ارشد از وضعیت نقدینگی بانک را شامل گردد. مدیریت ارشد باید اطمینان حاصل کند که نقدینگی بانک بطور موثری کنترل می‌شود و سیاست‌ها و رویه‌های مناسبی برای کنترل ریسک نقدینگی ایجاد شده است. بانک‌ها باید

حدودی را برای نقدینگی خود طی محدوده‌های زمانی خاص تعیین کنند و آنها را بطور

مرتب تحت مراقبت قرار دهند.

اصل چهارم:

یک بانک باید سیستم‌های اطلاعاتی مناسبی برای اندازه‌گیری، مراقبت، کنترل و گزارش‌دهی ریسک نقدینگی دارا باشد. گزارش‌ها باید به موقع به هیات مدیره، مدیران ارشد و سایر کارکنان مرتبط ارائه گردد.

اندازه‌گیری و مراقبت خالص منابع نقد مورد نیاز<sup>۱</sup>

اصل پنجم:

هر بانک باید فرآیندی برای اندازه‌گیری و مراقبت از خالص منابع نقد مورد نیاز خود ایجاد کند.

اصل ششم:

هر بانک باید با به‌کارگیری سناریوهای مختلف (چنانچه، اگر)<sup>۲</sup> نقدینگی خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

اصل هفتم:

هر بانک باید به منظور اطمینان از اعتبار فرضیات مورد نظر خود در رابطه با مدیریت نقدینگی، آنها را هنگام استفاده مورد بازنگری قرار دهد.

---

۱ - Net Funding Requirements.

۲ - "what if"

## مدیریت دسترسی به بازار

### اصل هشتم:

هر بانک به منظور حفظ تنوع بدهکاران، باید به طور ادواری امور مربوط به ایجاد و حفظ روابط خود با صاحبان بدهی را مورد بررسی قرار دهد و هدفش این باشد که اطمینان یابد که تدابیر اتخاذ شده، امکان فروش دارایی‌ها را فراهم می‌کند.

## برنامه ریزی اقتضایی

### اصل نهم:

یک بانک باید برنامه‌های اقتضایی را تدوین کند که راهکار آن را برای اداره بحران نقدینگی مشخص کند. این برنامه باید فرآیندهایی را برای جبران کسری‌ها در موقعیت‌های اضطراری دربرگیرد.

## مدیریت نقدینگی پول خارجی

### اصل دهم:

هر بانک باید دارای یک سیستم اندازه‌گیری، مراقبت و کنترل وضعیت‌های نقدینگی برحسب پول‌های عمده‌ای باشد، که بر مبنای آنها فعالیت می‌کند. علاوه بر ارزیابی نیازهای کلی نقدینگی ارزی و عدم تطابق‌های قابل قبول در ترکیب پول خارجی با تعهدات آن برحسب پول محلی، یک بانک باید تجزیه و تحلیل مجزایی از راهکارش برای هر پول داشته باشد.



#### اصل یازدهم:

باتوجه به تجزیه و تحلیل انجام شده براساس اصل ۱۰، یک بانک باید، هر جا که مناسب است، حدودی را (برای پول‌های خارجی بطور کلی و برای هر پول که بانک برحسب آن فعالیت می‌کند، بطور انفرادی) برای اندازه و عدم تطابق جریان‌های نقد، طی یک افق زمانی خاص تعیین کند و آن حدود را بطور مرتب مورد بازنگری قرار دهد.

#### کنترل‌های داخلی برای مدیریت ریسک نقدینگی

##### اصل دوازدهم:

هر بانک باید یک سیستم مناسب کنترل‌های داخلی ناظر بر فرآیند مدیریت ریسک نقدینگی داشته باشد. ترکیب اساسی سیستم کنترل داخلی مستلزم بازنگری‌های مستقل منظم و ارزیابی کارایی سیستم است و هر جا لازم است باید نسبت به انجام تجدیدنظرهای مناسب یا ارتقای کنترل‌های داخلی اطمینان حاصل شود. نتیجه این بازنگری‌ها باید در اختیار مقامات نظارتی قرار گیرد.

#### نقش افشای اطلاعات برای بهبود نقدینگی

##### اصل سیزدهم:

هر بانک برای حصول اطمینان نسبت به کفایت سطح افشای اطلاعات باید به منظور کنترل افکار عمومی نسبت به بانک و اعتبار آن سازوکاری داشته باشد.

#### نقش ناظرین بانکی

##### اصل چهاردهم:

ناظرین بانکی باید ارزیابی مستقلی از راهکارها، سیاست‌ها، رویه‌ها و

عملکردهای مرتبط با مدیریت نقدینگی داشته باشند و بانک‌ها را ملزم نمایند که سیستم کارآیی را برای اندازه‌گیری، مراقبت و کنترل ریسک نقدینگی ایجاد کنند. ناظرین بانکی، همچنین باید از هر بانک اطلاعات کافی و به هنگام را دریافت نمایند تا به کمک آنها سطح ریسک نقدینگی را ارزیابی کنند. آنها باید متقاعد شوند که بانک برای نقدینگی خود برنامه‌های اقتضایی کافی دارد.

## **بخش دوم – مدیریت مستمر نقدینگی**

### **الف- گسترش یک ساختار مدیریت ریسک نقدینگی**

۶- مدیریت مناسب ریسک نقدینگی، همراه با مدیریت انواع دیگر ریسک، برای بانک مستلزم تعیین یک راهکار است تا نسبت به نظارت موثر هیات مدیره و مدیران ارشد و نیز انجام عملیات اندازه‌گیری، مراقبت و کنترل ریسک نقدینگی تحت یک فرآیند صحیح اطمینان حاصل کند. پیچیدگی فرآیند مدیریت نقدینگی باید برای کلیه سطوح ریسک‌هایی که به بانک تحمیل می‌گردد، مناسب باشد.

#### **اصل اول:**

هر بانک باید راهکار تایید شده‌ای برای مدیریت روزانه نقدینگی داشته باشد. این راهکار باید به کلیه واحدهای بانک ابلاغ شود.

۷- ایجاد نقدینگی یکی از فعالیت‌های عمده بانک است. بسیاری از فعالیت‌های مستقیم یا غیرمستقیم به توانایی بانک‌ها در ارائه نقدینگی به مشتریان بستگی

دارد. از این رو، بانک‌ها به ویژه از نقطه نظر مشکلات نقدینگی هم از این نظر که موسساتی با ماهیتی خاص هستند و هم از نظر تأثیری که به طور کل بر بازارها می‌گذارند، آسیب‌پذیرند.

اساساً هر مبادله مالی یا تعهدی برای نقدینگی بانک‌ها الزاماتی دربردارد. از این نقطه نظر، لازم است بانک‌ها نسبت به راهکار نقدینگی، سیاست‌ها و رویکرد مدیریت نقدینگی دقت لازم را اعمال نمایند. راهکار نقدینگی باید رویکرد کلی بانک؛ شامل اهداف مختلف کمی و کیفی آن را نسبت به نقدینگی بیان کند. این راهکار باید هدف بانک را برای تقویت بنیه مالی آن مشخص کند، تا بانک توانایی مقابله با موقعیت‌های پرتنش بازار را داشته باشد.

۸- راهکار نقدینگی بانک باید سیاست‌های خاص مربوط به جنبه‌های ویژه مدیریت نقدینگی مانند ترکیب دارایی‌ها و بدهی‌ها، رویکرد مدیریت نقدینگی بر حسب ارزش‌های مختلف از یک کشور به کشور دیگر، اتکای نسبی به استفاده از ابزارهای مالی عمده، نقد شوندگی و قابل فروش بودن دارایی‌ها را مشخص کند. علاوه بر این باید راهکار تاییدشده‌ای برای مقابله با اختلال‌های بالقوه موقت و یا بلندمدت نقدینگی وجود داشته باشد.

۹- راهکار مدیریت ریسک نقدینگی باید به کلیه واحدهای بانک ابلاغ شود. به‌ویژه با عنایت به این واقعیت که در بسیاری از بانک‌ها، مدیریت نقدینگی، دیگر صرفاً مسئولیت بخش خزانه‌داری نیست، علاوه بر این، محصولات یا راهکارهای تجاری جدید مانند گسترش اعتبارات تجاری که قابلیت

تبدیل به اوراق بهادار را دارند، می‌تواند تاثیر مهم و گاه پیچیده‌ای بر مدیریت ریسک نقدینگی داشته باشد. اختلال در سیستم عملیاتی می‌تواند تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر ریسک نقدینگی بر جای گذارد. کلیه واحدهای مرتبطی که فعالتهایی را انجام می‌دهند و بر نقدینگی بانک تاثیرگذار هستند باید بطور کامل از راهکار نقدینگی و اجرای آن تحت عنوان خط مشی‌ها، رویه‌ها و حدود تصویب شده آگاهی داشته باشند.

۱۰- مدیریت ارشد و کارکنان مربوطه باید شناخت کاملی نسبت به این که چگونه سایر ریسک‌ها از جمله ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی بر راهکار کلی نقدینگی بانک اثرگذار هستند، داشته باشند. مثل اینکه، مشکلات اعتباری با طرف‌های تجاری متقابل بانک چگونه می‌تواند بر جریانات ورودی نقد پیش‌بینی شده و اقدامات ضروری جایگزین بانک اثرگذارد.

#### اصل دوم:

هیات مدیره بانک باید راهکار و اصول مربوط به مدیریت نقدینگی را تصویب کند. همچنین باید اطمینان حاصل کند که مدیریت ارشد، اقدامات لازم را در مورد مراقبت و کنترل ریسک نقدینگی انجام داده است. هیات مدیره باید بطور مرتب اطلاعات مربوط به وضعیت نقدینگی بانک را دریافت نماید و در صورت هرگونه تغییری در وضعیت جاری و دورنمای آتی نقدینگی بانک، سریعاً در جریان امر قرار گیرد.

۱۱- به دلیل اهمیت حیاتی مدیریت نقدینگی برای ادامه بقای هر بانک، هیات

مدیره باید راهکارهایی را برای مدیریت ریسک نقدینگی تصویب نماید. هیات مدیره همچنین باید سیاست‌هایی را برای اداره ریسک نقدینگی تدوین نماید تا آن را کنترل کند یا بر آن تاثیرگذار باشد. علاوه بر این هیات مدیره باید خط مشی‌ها و رویه‌هایی را تایید کند که حوزه‌های اختیارات و مسئولیت‌ها را برای مدیریت اکسپوزهای نقدینگی مشخص کند.

۱۲- هیات مدیره باید اطمینان حاصل کند که مدیریت ارشد به منظور رعایت راهکار نقدینگی، دستورالعمل شفاف‌ی در مورد سطح قابل قبول ریسک نقدینگی ارائه نماید. هیات مدیره همچنین باید اطمینان حاصل کند که مدیریت ارشد سیاست‌ها و رویه‌هایی برای کنترل و مراقبت موثر ریسک نقدینگی اتخاذ نموده است.

۱۳- هیات مدیره همچنین باید عملکرد و تصویر کلی ریسک نقدینگی بانک را تحت مراقبت قرار داده و بطور دوره‌ای اطلاعات روزآمدی را که از جزئیات کافی برخوردار است مورد بررسی قرار دهد تا بتواند ریسک نقدینگی را که پرتفوی بانک و یا خود بانک در مجموع با آن مواجه است ارزیابی کند.

انتظار می‌رود تمرکز قابل ملاحظه دارایی‌ها به تامین مالی یا تغییرات حائز اهمیت در ترکیب دارایی‌ها، متناوباً توسط هیات مدیره مورد بررسی قرار گیرد.

۱۴- هیات مدیره باید به منظور کنترل اختلالاتی که توان بانک را برای تامین مالی بعضی یا کلیه فعالیت‌هایش تحت تاثیر قرار می‌دهد به شیوه‌ای مناسب، به موقع و با هزینه‌ای معقول، برنامه‌های اقتضایی بانک را مورد بررسی قرار دهد.

اصل سوم:

هر بانک باید ساختار مدیریتی ایجاد کند تا راهکار نقدینگی خود را بطور موثر اجرا کند. این ساختار باید پیگیری مستمر مدیریت ارشد از وضعیت نقدینگی بانک را شامل گردد. مدیریت ارشد باید اطمینان حاصل کند که نقدینگی بانک بطور موثری کنترل می‌شود و سیاست‌ها و رویه‌های مناسبی برای کنترل ریسک نقدینگی ایجاد شده است. بانک‌ها باید حدودی را برای اندازه‌ی وضعیت نقدینگی خود طی محدوده‌های زمانی خاص تعیین کنند و آنها را بطور مرتب تحت مراقبت قرار دهند.

۱۵- یک بانک باید همراه با دیگر عناصر مدیریت ریسک، ساختار مدیریت نقدینگی ایجاد کند تا به طور موثر راهکار مدیریت نقدینگی، سیاست‌ها و رویه‌های آن را اجرا کند. بانک‌ها باید مسئولیت نهایی برای تعیین خط مشی نقدینگی و بررسی تصمیمات مربوط به نقدینگی را به بالاترین سطح مدیریت واگذار نمایند. مسئولیت اداره نقدینگی کلی بانک باید برعهده یک گروه مشخص و خاص در بانک گذاشته شود که می‌تواند در قالب کمیته داری- بدهی متشکل از مدیریت ارشد و خزانه‌داری یا اداره مدیریت ریسک باشد. در کلیه حالات فوق، ایجاد کنترل‌های مناسب و تعادل ضروری است.

۱۶- لازم است یک برنامه زمان‌بندی برای بررسی نقدینگی بانک بطور متناوب و برنامه دیگری با تناوب کمتر ولی با بررسی عمیق‌تر تهیه شود. این بازنگری‌ها، با عنایت به تجربیات بانک در زمینه مدیریت نقدینگی و بهبود کار آن، فرصتی برای بررسی مجدد و اصلاح سیاست‌ها و رویه‌های نقدینگی فراهم می‌آورد.

۱۷- مدیریت بانک باید تصمیماتی در رابطه با ساختار مدیریت نقدینگی اتخاذ نماید. ممکن است مدیریت نقدینگی بطور کاملاً متمرکز انجام شود. البته ممکن است باتوجه به حدود اعمال شده توسط مدیریت ارشد، مدیریت نقدینگی، به طور غیرمتمرکز، از طریق واگذاری اختیارات به واحدها برای اداره نقدینگی خود، و یا به صورت تلفیقی از هر دو انجام شود. در کلیه حالات مذکور، ساختار مدیریت، در عین حال که اطمینان می دهد که راهکار نقدینگی مصوب هیات مدیره می تواند بطور موثر انجام شود، می بایست از انعطاف لازم برخوردار باشد. ساختار مورد بحث به هر ترتیبی استفاده شود، بسیار مهم است که بین واحدهای مسئول مدیریت نقدینگی و بخش هایی که مراقبت از شرایط بازار به آن ها واگذار شده و نیز سایر واحدهایی که به اطلاعات مهمی دسترسی دارند، مانند مدیران اعتباری، ارتباط نزدیکی وجود داشته باشد. این موضوع، بویژه برای بهبود و تجزیه و تحلیل سناریوهای آزمون بحران حائز اهمیت است.

۱۸- مدیریت بانک ها باید به منظور حصول اطمینان نسبت به کافی بودن نقدینگی محدودیت هایی را تعیین کند. این محدودیت ها باید توسط ناظرین بانکی بررسی شود. راه دیگر اینکه، ناظرین بانکی، خود محدودیت هایی را وضع نمایند. محدودیت هایی که می توانند اعمال گردند شامل موارد ذیل می باشد:

- ایجاد محدودیت برای عدم تطابق های جریان نقد متراکم\* (یعنی خالص منابع مالی مورد نیاز متراکم به صورت درصدی از کل بدهی ها) طی یک دوره خاص - روز بعد، پنج روز بعد، ماه بعد - به منظور

---

\* Cumulative cash flow

پوشش دامنه نوسانات و هرگونه افت قیمت در زمان فروش اضطراری دارایی‌های جاری و نیز قابلیت فروش آنها در بازار. این عدم تطابق‌ها باید با نگرشی محافظه‌کارانه محاسبه شود.

- دارائی جاری به صورت درصدی از بدهی‌های کوتاه‌مدت محدودیت دیگری است که می‌تواند اعمال شود. در مورد این حد هم باید از قیمت دارایی پس از کاهش آن استفاده شود تا دامنه نوسانات قیمت را منعکس کند. دارایی‌هایی که در این گروه قرار می‌گیرند باید فقط آنهایی باشند که از درجه نقد شوندگی بالایی برخوردارند یعنی فقط آنهایی که در موردشان نظر بر این است که حتی در شرایط بحرانی نیز فروش آنها با مشکلی مواجه نیست.

۱۹- بانک‌ها باید احتمال تأثیر سناریوهای مختلف بحران در مورد وضعیت نقدینگی خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و به تناسب، حدودی برای آنها تعیین کنند. این حدود باید متناسب با اندازه، پیچیدگی و شرایط مالی بانک باشد. لازم است مدیریت، رویه‌های خاص و مصوبه‌های لازم را برای استثنائاتی که نسبت به سیاست‌ها و حدود وجود دارد تعریف کند.

۲۰- مدیریت ارشد باید به منظور حفظ کلیت فرآیند مدیریت ریسک نقدینگی اطمینان حاصل کند که کنترل‌های داخلی در حد کفایت انجام می‌شود.

#### اصل چهارم:

یک بانک باید سیستم‌های اطلاعاتی مناسبی برای اندازه‌گیری، مراقبت، کنترل و



گزارش‌دهی ریسک نقدینگی دارا باشد. گزارش‌ها باید به موقع به هیات مدیره، مدیران ارشد و سایر کارکنان مرتبط ارائه گردد.

۲۱- یکی از عوامل مهم چارچوب مدیریت نقدینگی، وجود سیستم اطلاعات مدیریت برای ارائه اطلاعات به موقع درباره وضعیت نقدینگی بانک به هیات مدیره، مدیران اجرایی، مدیران ارشد و سایر کارکنان مرتبط است. یک سیستم قوی اطلاعات مدیریت، مکمل تصمیمات مناسب در مورد نقدینگی است. چنین سیستمی باید به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد تا توان مقابله با وقایع احتمالی را داشته باشد. یک سیستم اطلاعات مدیریت باید توان محاسبه وضعیت‌های نقدینگی کلیه پول‌هایی که بانک با آن سر و کار دارد بر مبنای هر پول و نیز کلیه پول‌ها دارا باشد. تمام بانک‌ها باید توان محاسبه وضعیت نقدینگی خود را به صورت روز به روز برای افق‌های زمانی کوتاه‌تر (مثلاً تا پنج روز) و طی مجموعه‌ای از دوره‌های زمانی مشخص، در فواصل زمانی بیش از دوره‌های کوتاه‌مدت داشته باشند تا بتوانند بطور موثری نیازهای خود را به وجوه نقد اداره و مراقبت نمایند.

۲۲- سیستم اطلاعات مدیریت باید برای کنترل تطبیق عملکرد بانک با سیاست‌ها، رویه‌ها و حدود بکار رود. گزارش‌دهی اندازه ریسک باید بر مبنای زمان مشخص و در مقایسه با اکسپوژر جاری نقدینگی با هریک از مجموعه حدود انجام شود. سیستم اطلاعات مدیریت، همچنین باید برای مدیریت این توانایی را ایجاد کند که سطح روندهای اکسپوژر کلی نقدینگی بانک را ارزیابی کند. فرضیات باید بطور روشن بیان شوند به طوری که مدیریت بتواند اعتبار و سازگاری فرضیات کلیدی را ارزیابی نموده و الزامات مربوط به سناریوهای مختلف آزمون بحران را درک کند.

## **ب- اندازه‌گیری و مراقبت خالص منابع نقد مورد نیاز**

### **اصل پنجم:**

**هر بانک باید فرآیندی برای اندازه‌گیری و مراقبت از خالص منابع نقد مورد نیاز**

**خود ایجاد کند.**

۲۳- وجود یک فرآیند موثر اندازه‌گیری و مراقبت، برای مدیریت ریسک نقدینگی الزامی است. در یک سطح خیلی ابتدایی، برای مشخص کردن توان بالقوه بانک در برابر هر گونه کسری پیش‌رو، اندازه‌گیری نقدینگی، با ارزیابی کلیه جریان‌های ورودی نقد در مقابل جریان‌های خروجی آن انجام می‌شود. این موارد نیازهای نقد برای تعهدات زیر خط را نیز شامل می‌شود. تکنیک‌هایی برای اندازه‌گیری ریسک نقدینگی استفاده می‌شود که گستره آن از محاسبات ساده شبیه‌سازی ایستا، براساس دارایی‌های جاری بانک تا تکنیک‌های مدل‌سازی بسیار پیچیده است. از آنجا که تمام بانک‌ها تحت تاثیر فضای ناشی از تغییرات اقتصادی و شرایط بازار قرار دارند، مراقبت و کنترل شرایط اقتصادی و روندهای بازار برای مدیریت ریسک نقدینگی بسیار مهم است.

۲۴- یکی از جنبه‌های مهم مدیریت نقدینگی فرضیه‌سازی برای نیازهای نقد آتی

است. در عین حال که جریان‌های ورودی و خروجی نقد به آسانی قابل محاسبه یا پیش‌بینی است، بانک‌ها باید در مورد نیازهای آتی نقدینگی خود برای دوره‌های بسیار کوتاه‌مدت و بلندمدت فرضیه‌سازی نمایند.

نقش حیاتی شهرت بانک برای دسترسی به وجوه در مدت معقول عامل مهمی است که باید مدنظر قرار گیرد. به این دلیل، کارکنانی که مسئولیت اداره نقدینگی کلی بانک را برعهده دارند باید از هرگونه اطلاعاتی (مانند اعلام کاهش درآمدهای بانک یا تنزل رتبه بانک بوسیله موسسه رتبه‌بندی) آگاهی داشته باشند. این اطلاعات می‌تواند از جنبه اعتبار و سلامت بانک، بر بازار و نیز افکار عمومی تاثیرگذار باشد.

۲۵- اگرچه بسیاری از بانک‌ها از لحاظ تاریخی برای بخش عمده تامین مالی خود، متکی به سپرده‌های اصلی هستند ولی در محیط تجاری امروز، بانک‌ها منابع متنوع و گسترده‌ای در اختیار دارند که این منابع برای مدیریت نقدینگی باید بطور مستمر مورد بررسی قرار گیرند. منشاء جریان‌ات ورودی نقد می‌توانند مواردی مانند دارایی‌های سررسید شده، دارایی‌های سررسید نشده قابل فروش، دسترسی به ذخیره تعهدات، خطوط اعتباری که می‌توانند مورد بهره‌برداری قرار گیرند و تا حد بیشتری از طریق تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار باشد. این موارد باید با جریان‌ات خروجی نقد مواردی مانند بدهی‌های سررسید شده و بدهی‌های احتمالی بویژه خطوط اعتباری تعهدشده‌ای که می‌توان از آنها برداشت نمود منطبق گردد. جریان‌ات خروجی نقد می‌توانند ناشی از حوادث غیرمترقبه باشند.

۲۶- سررسید پلکانی، ابزار مناسبی برای مقایسه جریان‌ات ورودی و خروجی نقد، هم بر مبنای روزانه و هم برای دوره‌های زمانی مشخص است. تجزیه و تحلیل خالص نیازهای نقدی، نیازمند ترسیم یک سررسید

پلکانی و محاسبه خالص کسری یا مازاد تراکمی وجوه در سررسیدهای انتخاب شده، می‌باشد. خالص نیازهای نقدی یک بانک از طریق تجزیه و تحلیل جریان‌ات خروجی نقد آن براساس فرضیات مربوط به رفتار آتی دارایی‌ها، بدهی‌ها و ارقام زیر خط ترانزنامه انجام می‌گیرد و پس از آن برای ارزیابی نقدینگی خالص مازاد یا کسری متراکم طی یک مقطع زمانی محاسبه می‌شود.

#### ۲۷- به منظور ساخت یک سررسید پلکانی، بانک باید هر جریان ورودی یا خروجی

نقد را به تاریخ تقویمی مشخصی که نقطه آغازین آن، معمولاً روز بعد است، اختصاص دهد. (نحوه تسویه موافقت‌نامه‌ها، در چارچوب زمان و تقویم زمانی خاص مرتبط با هر جریان نقدی باید برای بانک روشن باشد.) در اولین گام برای ساخت یک سررسید پلکانی، جریان‌ات ورودی نقد می‌توانند براساس تاریخی که دارایی‌ها سررسید می‌شوند یا با گمانه‌زنی محافظه‌کارانه در مورد زمانی که خطوط اعتباری می‌توانند مورد بهره‌برداری قرار گیرند رده‌بندی شوند. مشابه همین رویه، جریان‌ات خروجی نقد می‌توانند براساس تاریخی که بدهی‌ها سررسید می‌شوند، زودترین تاریخی که صاحب بدهی می‌تواند از حق اختیار بازپرداخت بدهی برخوردار شود یا زودترین تاریخی که بدهی‌های احتمالی قابل مطالبه هستند، رده‌بندی شوند. دارایی‌های آماده عرضه در بازار، می‌توانند در اولین نقطه سررسید پلکانی که در آن قابلیت نقد شدن دارند، گنجانیده شوند. بانک‌ها یا ناظرین بانکی باید بررسی کنند که چه تخفیفی باید برای دارایی‌هایی که به این ترتیب در سررسیدهای پلکانی قرار داده می‌شوند اعمال گردد تا در عین حال ریسک‌های بازار را منعکس نمایند. بهره حائز اهمیت و دیگر جریان‌ات نقدی

نیز باید منظور گردند. علاوه بر این، فرضیات اصلی می‌تواند بر مبنای تجربیات گذشته ساخته شود. تفاوت بین جریان‌ات نقدی ورودی و خروجی در هر دوره، کسری یا مازاد وجوه، نقطه آغازین اندازه‌گیری کسری یا مازاد آتی نقدینگی در مجموعه‌ای از مقاطع زمانی است.

#### ۲۸- مقطع زمانی مربوط برای مدیریت نقدینگی فعال، عموماً کوتاه‌مدت و شامل

نقدینگی طی یک روز است. روزهای اول بویژه هنگام بروز هرگونه مشکل نقدینگی برای حفظ ثبات بسیار مهم است. تخصیص چارچوب زمانی مناسب برای مدیریت نقدینگی بستگی به ماهیت فعالیت بانک‌ها دارد. بانک‌هایی که متکی به تأمین‌های مالی کوتاه‌مدت هستند، اساساً برای اداره نقدینگی خود بر زمانهای بسیار کوتاه متمرکز هستند (برای مقاطع زمانی تا ۵ روز). در حالت ایده‌آل، این بانک‌ها باید بتوانند وضعیت نقدینگی خود را بر مبنای روز به روز برای این دوره زمانی محاسبه کنند. سایر بانک‌ها (یعنی بانک‌هایی که کمتر به بازارهای کوتاه‌مدت متکی هستند) باید بطور فعال خالص نیازهای نقد خود را طی یک دوره زمانی طولانی‌تر، مثلاً یک تا سه ماه آینده اداره نمایند.

#### ۲۹- علاوه بر این، بانک‌ها باید اطلاعات را گردآوری نموده و وضعیتهای

نقدینگی خود را در دوره‌های زمانی طولانی‌تر مراقبت نمایند. چنانکه انتظار می‌رود، ممکن است بانک‌ها برای تأمین مالی در دوره‌های زمانی طولانی‌تر با شکاف‌های قابل توجهی مواجه شوند. آنها باید تلاش کنند تا این شکاف‌ها را با تأثیرگذاری بر تاریخ سررسید معاملات جبران نمایند. گردآوری اطلاعات دوره‌های زمانی طولانی‌تر، امکان این را که بانک‌ها به محض

بروز شکاف، آن را پر کنند به حداکثر می‌رساند. ناظرین بانگی به عنوان یک نکته مهم توجه دارند که باقی‌مانده نیازهای وام‌گیری باید محدود به مبلغی گردد که از نظر تجربی تامین آن در بازار توسط بانک به راحتی امکان‌پذیر است. مسلماً بانک‌های فعال در بازار دارایی‌ها و بدهی‌های بلندمدت نسبت به بانک‌هایی که در بازارهای پولی کوتاه‌مدت فعال بوده و در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند شکافهای تامین مالی کوتاه‌مدت خود را پر کنند نیازمند به کارگیری چارچوب‌های زمانی بلندمدت‌تری هستند.

البته گروه بانک‌های اخیرالذکر ممکن است صلاح بدانند که سررسید عملیات جدید را به ترتیبی تعیین کنند که شکافهای بیشتر آتی را جبران نماید. در یک افق زمانی طولانی‌تر معمولاً اطلاعات مفیدی تولید می‌شود به نحوی که یک بانک بتواند تا حدی با اتکای به آنها تصمیمات استراتژیک اتخاذ نماید.

#### اصل ششم:

هر بانک باید با به کارگیری سناریوهای مختلف (چنانچه اگر)<sup>۱</sup> نقدینگی خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

۳۰- ارزیابی اینکه یک بانک به اندازه کافی نقدینگی دارد تا حد زیادی به رفتار جریان نقد در شرایط مختلف بستگی دارد. از این رو، تجزیه و تحلیل نقدینگی مستلزم چیدمان سناریوهای متنوع (چنانچه اگر) است.

---

۱ - "what if"

تحت هر سناریو، یک بانک باید تلاش کند هر گونه نوسانات قابل ملاحظه مثبت و منفی نقدینگی را در نظر بگیرد. این سناریوها باید هم عوامل داخلی (شرایط ویژه بانک) و هم عوامل خارجی (مسائل مربوط به بازار) را مدنظر قرار دهند. در عین حال در شرایطی که نقدینگی بطور معمول تحت کنترل است بانک باید تریبی اتخاذ کند که برای اداره نقدینگی در شرایط غیرعادی آمادگی داشته باشد.

۳۱- لازم است یک بانک تحت سناریوهایی که مورد بررسی قرار می‌گیرند زمان بندی جریان نقد برای هر نوع از دارایی یا بدهی را از طریق ارزیابی رفتاری که احتمالاً خواهد داشت مشخص کند. این تصمیمات بخش داخلی ساختار سررسید پلکانی در مورد زمان بندی خاص و اندازه جریان نقد در هر سناریو است. مثلاً یک بانک برای هر تامین مالی باید شرایط ذیل را در مورد بدهی بررسی کند.

- پرداخت کامل بدهی در سررسید
- پرداخت تدریجی بدهی طی چند هفته آینده
- وجود اطمینان نسبی در این مورد که در صورت شروع پرداخت، بدهی تمدید می‌شود یا بطور کامل پرداخت می‌شود.

تجربیات تاریخی بانک‌ها در مورد الگوهای جریان نقد و آگاهی نسبت به قواعد بازار می‌تواند راهنمای بانک برای تصمیماتی که به ویژه در سناریوهای مختلف در این رابطه اتخاذ می‌کند، باشد ولی داوری، اغلب نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. یک بانک وقتی، بین زمانهای انجام کار گزینش می‌کند به هیچ وجه اطلاعات کاملی در اختیار ندارد این مساله ایجاب می‌کند که رویکرد محافظه کارانه‌ای پیش گیرد که به سمت تعیین زمان‌های دیرتر برای جریان نقد ورودی و زمانهای زودتر برای جریان نقد خروجی گرایش دارد.

۳۲- از این رو، زمان بندی جریان‌ات نقد ورودی و خروجی براساس سررسید پلکانی در سناریوها و فرضیات می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. ممکن است بر مبنای تجربیات تاریخی، بانک به این نتیجه برسد که در زمان بحران خاص نقدینگی، به منظور کنترل و زمان بندی جریان‌ات نقد آتی، از موجودی تا دارایی‌های قابل فروش، توانش کمی نسبت به شرایط معمولی تحلیل می‌رود. البته در صورت بروز بحران فراگیر در بازار، اگر تعداد اندکی از موسسات، مایل یا قادر به خرید نقدی دارایی‌های با درجه نقدشوندگی کمتر باشند این ظرفیت (فروش دارایی‌ها) شدیداً رو به کاهش می‌گذارد. از طرف دیگر، بانکی که در بازار از شهرت خوبی برخوردار است از این فرار سپرده‌گذاران بهره‌مند می‌شود چون سپرده‌گذاران بالقوه در جستجوی امن‌ترین مکان‌ها برای وجوه خود هستند، به منظور انجام این ارزیابی، بانک‌ها نه فقط به تجربیات تاریخی خود بلکه باید به تجربیات دیگر بانک‌ها در شرایط بحران نقدینگی نیز توجه نمایند.

۳۳- تصویر نقدینگی یک بانک در یک یا چند سناریو می‌تواند با جدول یا نموداری از تجمیع مانده جریان‌ات نقد ورودی و خروجی مورد انتظار طی چند مقطع زمانی و نیز هر روز طی یک دوره مشخص کامل تر شود. ترسیم یک نمودار نقدینگی فرضی برای بانک این امکان را فراهم می‌آورد تا خالص مازاد یا کسری تجمعی وجوه نقد را در مقایسه با سناریوهایی که به منظور آگاهی عمیق‌تر نسبت به وضعیت نقدینگی و کنترل سازگاری و واقع بینانه بودن فرضیات تدوین شده، بهبود بخشد. به عنوان مثال، ممکن است یک بانک با



کیفیت بالا در، شرایط معمولی و همین‌طور در شرایط فراگیری بحران در بازار، از نظر نقدینگی بسیار خوب بنظر برسد و فقط در یک شرایط بحرانی ویژه، وضعیت نقدینگی نامطلوبی پیدا کند. برعکس ممکن است یک بانک ضعیف از نظر نقدینگی در شرایط بحران فراگیر و بحران ویژه بازار کاملاً فاقد نقدینگی باشد.

#### اصل هفتم:

هر بانک باید به منظور اطمینان از اعتبار فرضیات مورد نظر خود در رابطه با مدیریت نقدینگی آنها را هنگام استفاده مورد بازنگری قرار دهد.

۳۴- از آنجاکه وضعیت آتی نقدینگی بانک تحت تأثیر عوامل مختلفی است که همیشه نمی‌توان آن‌ها را با دقت پیش‌بینی نمود لازم است فرضیات، به ویژه باتوجه به سرعت تغییر بازارهای بانکی بطور متناوب مورد بازنگری قرار گیرند تا درجه اعتبارشان تعیین گردد. البته تعداد فرضیات اصلی که ساخته می‌شود کاملاً محدودند. در این بخش تلاش بر این است تا فرضیات نقدینگی تحت چهار گروه کلی طبقه‌بندی شوند: الف) دارایی‌ها  
ب) بدهی‌ها ج) اقلام زیرخط ترازنامه د) دیگر عوامل

#### الف- دارایی‌ها

۳۵- فرضیات مرتبط با موجودی دارایی‌های آتی بانک، امکان فروش دارایی‌ها و کاربری آنها به عنوان وثیقه که می‌تواند موجبات افزایش جریان ورودی نقد را فراهم آورد. حدی که در آن، دارایی‌ها ایجاد و قابلیت فروش و

تبدیل به اوراق بهادار را می‌یابند و نیز حدی را که در آن دارایی‌های سررسید شده می‌توانند مجدداً تمدید شوند، شامل می‌شود. در بعضی از کشورها، ناظرین بانکی روندی را تجربه نمودند که به منظور جبران عدم اطمینانی که نسبت به رفتار صاحبان بدهی وجود داشت بیشتر تمایل به اتکا به موجودی دارایی‌های نقد (اسناد نقد) بود.

۳۶- تعیین سطوح دارایی‌های بالقوه بانک مستلزم پاسخ به سه سوال است:

- چه نسبت از دارایی‌های سررسید شده را بانک می‌تواند یا مایل است تمدید یا تجدید کند؟
- سطح مورد انتظار درخواست‌های جدید وام که تصویب خواهد شد چه مقدار است؟
- سطح مورد انتظار تعهدات انجام شده‌ای که برای آن نیاز به تامین مالی دارد چه مقدار است؟

این تعهدات ممکن است شامل اشکال ذیل باشند:

- خطوط تجاری تعهد شده بدون قید شروط ماده تغییر نامطلوب (MAC)<sup>۱</sup> و موافقت‌نامه‌ها، تا قانوناً یک بانک حتی اگر وضعیت مالی وام‌گیرنده وخیم‌تر شده باشد نتواند از آن شروط تخطی کند.
- خطوط تجاری تعهد شده با قید شروط ماده تغییر نامطلوب (MAC) که براساس آن تعدادی از مشتریان در سناریوهای بحرانی بتوانند بازپرداخت وام و سایر خطوط اعتباری تجاری و مصرفی را کاهش دهند.
- به‌منظور گمانه‌زنی در مورد نیازهای عادی تامین مالی، بعضی از بانک‌ها از

---

<sup>۱</sup> - Material Adverse Change.

الگوهای تمدید وام، کاهش‌های بازپرداخت و درخواست‌های جدید وام استفاده می‌کنند و بعضی دیگر از تجزیه و تحلیل آماری برگرفته از حساب‌های فصلی و دیگر عوامل موثر در تعیین تقاضای وام (مثلاً برای وام‌های مصرفی) استفاده می‌کنند. راه دیگر اینگه، بانک می‌تواند پیش‌بینی‌های تجاری مبتنی بر داوری انجام دهد یا مشتریان عمده‌اش را یک به یک مورد ارزیابی قرار داده و برای بقیه مشتریان روابط تاریخی را اعمال کند.

۳۷- کاهش جریان‌های بازپرداخت وام و نیز درخواست‌های جدید وام نشان‌دهنده تحلیل بالقوه وجوه نقد بانک است. با این وجود، در مواردی یک بانک آزادی عمل دارد تا این اقدام را با توجه به شرایط جاری کنترل کند. برای مثال، در شرایط نامطلوب می‌تواند از قبول درخواست‌های جدید وام‌هایی که در شرایط معمول مورد تصویب قرار می‌گرفت خودداری کند یا از انجام آن گروه از تعهدات وام‌دهی که الزام‌آور نیستند امتناع کند و از بعضی از مناسبات کاری خود چشم‌پوشی نماید.

۳۸- رشد بازارهای ثانویه طبقات مختلف دارایی‌ها، فرصت‌های بانک را برای فروش یا تبدیل حجم بالاتری از دارایی‌ها به اوراق بهادار و با سرعت بیشتر افزایش می‌دهد. در شرایط عادی، این دارایی‌ها می‌توانند سریعاً و به سهولت و با هزینه معقولی تبدیل به نقد گردند. بسیاری از بانک‌ها در تجزیه و تحلیل‌هایشان، این دارایی‌ها را جزو منابع قابل دسترسشان قلمداد می‌کنند. البته اتکای بیش از حد بانک‌ها به تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار و یا فروش دارایی‌هایی مثل وام‌ها، به عنوان ابزار

برای تامین نقدینگی، نگرانیها را درباره توان واقعی بانکها برای انطباق جریان نقد دریافتی از محل فروش داراییها با نیازهای مالی آنها افزایش می‌دهد. نابسامانیهای اخیر نشان داده که فروش یا تبدیل داراییها به اوراق بهادار برای تامین وجوه، منابع قابل دسترسی محسوب نمی‌شوند.

۳۹- از نظر درجه نقدشوندگی داراییها و با هدف تعیین قابلیت فروش، می‌توان داراییها را به چهار طبقه تفکیک نمود:

- طبقه با بیشترین درجه نقدشوندگی شامل وجوهی است مانند وجوه نقد و اوراق بهادار دولتی که واجد شرایط برای وثیقه‌گیری در عملیات بازار باز می‌باشند. این داراییها ممکن است برای موارد دیگری مثل تامین نقدینگی از طریق بانک مرکزی بکار روند، ممکن است فروخته شوند یا باز خرید شده یا به عنوان وثیقه در بازار مورد استفاده قرار گیرند.
- گروه دوم این طبقه‌بندی، شامل دیگر اوراق بهادار قابل فروش مثل سهام و وام‌های بین بانکی است که ممکن است از قابلیت فروش برخوردار باشند ولی در شرایط نامطلوب این امکان وجود دارد که قدرت نقدشوندگی خود را از دست بدهند.
- طبقه با درجه نقدشوندگی کمتر، شامل پرتفوی وام قابل فروش بانک است. در اینجا باید فرضیاتی در رابطه با زمان بندی معقول داراییهای تحت اختیار بانک ساخته شود. بعضی از داراییها در عین حال که قابل فروش هستند ممکن است در مقطع زمانی تجزیه و تحلیل نقدینگی به عنوان غیرقابل فروش قلمداد شوند.

- طبقه دارایی‌های با کمترین درجه نقدشوندگی شامل دارایی‌هایی است که اصولاً غیرقابل فروش می‌باشند مانند وام‌هایی که به آسانی قابل فروش نیستند، ساختمان‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که بانک در شرکتهای تابعه خود انجام داده و همچنین اعتباراتی که به طور جدی با مشکل مواجهند.
- دارایی‌هایی که در رهن اشخاص ثالث است از هر یک از طبقات فوق‌الذکر کسر می‌شوند.

۴۰- دیدگاهی که در فرآیند طبقه‌بندی وجود دارد این است که به دلیل تفاوت‌های موجود در مدیریت داخلی دارایی - بدهی، بانک‌های مختلف می‌توانند هنگام ساختن سررسید پلکانی و طبقه‌بندی دارایی‌ها، یک دارایی را در طبقات مختلف قرار دهند. مثلاً وامی که در یک بانک فروش آن در مقطع زمانی تجزیه و تحلیل نقدینگی، با تاخیر انجام می‌شود و به عنوان دارایی با درجه نقدشوندگی متوسط طبقه‌بندی می‌گردد، در بانک دیگری به عنوان یک وام با درجه نقدشوندگی نسبتاً سریع قلمداد شود به این دلیل که این بانک زمانی وارد فعالیت در یک بازار می‌شود که وام‌ها در آن بازار به تناوب انتقال می‌یابند. به طور عادی در تمامی مستندات وام آن بانک، ماده "فروش وام" \* قید شده، و شبکه‌ای متشکل از مشتریان وجود دارند که بانک با آنها قرارداد بازخرید وام منعقد نموده است.

۴۱- برای طبقه‌بندی دارایی‌ها، یک بانک باید مشخص کند که نقدشوندگی یک دارایی چگونه بر سناریوهای مختلف تأثیرگذار خواهد بود. بعضی از دارایی‌ها

---

\* Loan Sale Clause

در شرایط تجاری عادی، از درجه نقدشوندگی بسیار بالایی برخوردارند ولی در شرایط نامطلوب، این قابلیتشان کاهش می‌یابد. از آنجاکه بازار ابزارها که ریسک اعتباری بیشتری دارند و نیز عملیات مالی طراحی شده گسترش یافته‌اند، ناموزون بودن درجه نقدشوندگی، خود، یک معضل رو به گسترش است. از این رو، یک بانک ممکن است یک دارایی را باتوجه به نوع سناریویی که پیش‌بینی می‌کند در طبقات متفاوت قرار دهد.

#### ب) بدهی‌ها

۴۲- تجزیه و تحلیل بخش بدهی‌های ترازنامه به منظور تامین منابع مالی، بانک را ملزم می‌کند تا نسبت به ویژگیهای تامین‌کنندگان وجوه و تامین‌کنندگان ابزارها شناخت داشته باشد. به منظور ارزیابی جریان نقد ناشی از بدهی‌ها، بانک باید در وهله اول رفتار بدهی‌هایش را در شرایط عادی تجاری بررسی کند. این بررسیها موارد ذیل را دربر خواهد گرفت:

- تعیین سطح عادی برای تغییرات سپرده‌ها و سایر بدهی‌ها
- تعیین سررسید موثر برای سپرده‌های دارای سررسیدهای غیر قراردادی مانند سپرده‌های عندالمطالبه و انواع حساب‌های پس‌انداز
- رشد طبیعی حساب‌های سپرده جدید

۴۳- همانند ارزیابی تمديد وام‌ها و درخواست‌های جدید وام، یک بانک می‌تواند از چند تکنیک ممکن، مثل الگوهای تاریخی رفتار سپرده‌ها، برای تعیین سررسیدهای موثر بدهی‌های خود استفاده کند. برای سپرده‌های دیداری اعم از سپرده‌های اشخاص حقیقی و حقوقی (شرکتهای تجاری)،

بسیاری از بانک‌ها براساس یک تجزیه و تحلیل آماری عمل می‌کنند و عوامل فصلی، حساسیت نرخ بهره و دیگر عوامل اقتصاد کلان را در نظر می‌گیرند. به منظور بررسی احتمال تمدید سپرده بعضی از سپرده‌گذاران عمده، یک بانک ممکن است سپرده‌های مشتریان را یک به یک مورد ارزیابی قرار دهد. رقابت رو به رشد جایگزین‌های سرمایه‌گذاری با سپرده‌ها، بر دشواری انجام چنین گمانه‌زنی‌هایی در مورد رفتار بدهی افزوده است.

۴۴- به منظور بررسی جریان‌های نقد ناشی از بدهی‌های بانک در شرایط غیرعادی

(مشکلات خاص بانک یا مشکلات کلی بازار)، یک بانک می‌بایستی چهار پرسش

اساسی را مورد بررسی قرار دهد:

- کدامیک از منابع تامین مالی احتمالاً در هر شرایطی برای بانک باقی می‌مانند؟ آیا می‌توان این منابع را افزایش داد؟
- چنانکه مشکلاتی پیش بیاید، کدامیک از منابع تامین مالی تدریجاً از حساب‌های بانک خارج می‌شوند و با چه نرخ؟ آیا ارزش‌گذاری سپرده‌ها می‌تواند ابزاری برای کنترل نرخ جریان خروجی سپرده‌ها باشد؟
- انتظار می‌رود کدامیک از بدهی‌های سررسید شده یا بدهی‌های با سررسید غیر قراردادی به محض اولین نشانه بروز مشکلات فوراً از بانک خارج شوند؟ آیا تعهداتی با حق اختیار برداشت زود هنگام وجود دارد که احتمال رود برداشت شوند؟
- آیا بانک از پشتوانه تسهیلاتی برخوردار است که بتواند از آن برداشت کند و تحت چه شرایطی؟

۴۵- دو گروه اول، تحولات جریانات نقدی را نشان می‌دهند که گرایش دارند آن جریانات خروجی نقدی را کاهش دهند که مستقیماً از سررسیدهای قراردادی قابل پیش‌بینی هستند. در افق زمانی تجزیه و تحلیل نقدینگی، علاوه بر این بدهی‌ها، سرمایه بانک و بدهی‌های سررسید نشده، پشتوانه‌ای برای نقدینگی محسوب می‌شوند. بدهی‌های بلندمدت به ویژه، از نقطه نظر حمایتی در شرایط حاد نقدینگی حائز اهمیت هستند.

۴۶- ممکن است تصور شود بدهی‌هایی که اولین گروه را تشکیل می‌دهند حتی در "بدترین شرایط مورد پیش‌بینی" در اختیار بانک باقی می‌مانند. عموماً بعضی از سپرده‌های عمده این طور هستند به دلیل اینکه در بعضی از کشورها سپرده‌گذاران جزء و واحدهای تجاری کوچک، در برابر زیان، متکی به تور حمایتی بخش دولتی هستند یا به ویژه برای بعضی از خدمات تجاری مانند حساب‌های معاملات، به دلیل هزینه تغییر بانک، یا در کوتاه‌مدت ممنوعیت وجود داشته باشد.

۴۷- گروه دوم، بدهی‌هایی هستند که احتمالاً طی دوره مشکلاتی که از نظر درجه اهمیت متوسط تلقی می‌شوند در اختیار بانک می‌مانند و در شرایط نسبتاً دشوار با سرعت کندی از بانک خارج می‌شوند. تعهداتی مثل سپرده‌های اصلی که قبلاً در طبقه اول منظور شده‌اند از آن جمله است. علاوه بر سپرده‌های عمده، در بعضی از کشورها، سطوحی از انواع خاص وجوه بین بانک‌ها نیز طی چنین دوره‌ای در اختیار بانک باقی می‌ماند. تجربیات یک بانک در خصوص تغییر وضعیت تعهداتش و همچنین تجربیات سایر موسسات مسأله‌دار باید به بانک کمک کند تا جدول زمان‌بندی جریانات نقد خود را گسترش دهد.



۴۸- سومین گروه شامل سایر بدهی‌های سررسید شده، از جمله بعضی از بدهی‌های

فاقد سررسید قراردادی مانند سپرده‌های عمده می‌باشد. تحت هر سناریویی که باشد، این رویکرد مستلزم اتخاذ موضعی محافظه کارانه است و فرض می‌کند که باقی مانده بدهی‌ها، به ویژه در سناریوهای بحرانی، در زودترین سررسید ممکن، بازپرداخت می‌شوند. چون در شرایط بحرانی ممکن است این پول‌ها به سمت خرید اوراق قرضه دولتی یا مکانهای امن دیگر جریان یابد. به ویژه، به منظور ارزیابی حد خروج سپرده از بانک و توان بانک برای تامین وجوه جایگزین، عواملی مانند متنوع سازی و ایجاد رابطه حائز اهمیت تلقی می‌شوند. با این حال، در صورت وجود مشکلات در بازار، بعضی از موسسات با کیفیت بالا ممکن است حتی زمانی که جریانات ورودی نقد برای بعضی از شرکت کنندگان در بازار نادر است، دریابند که جریانات ورودی سپرده عمده آنها بیش از حد معمول است. البته بانک‌ها باید از نظر اتکای به این منابع به عنوان منابع تامین مالی محتاط باشند چون برای مشتری (یکسان) علی السویه است که پول نقد نگهداری کند یا دارایی‌هایش را به خارج از سیستم بانکی منتقل نماید.

۴۹- بعضی از بانک‌ها، برای مثال بانک‌های کوچکتر در بازارهای منطقه‌ای، ممکن

است دارای خطوط اعتباری باشند که بتوانند از آن برای جبران جریانات خروجی نقد برداشت کنند. زمانی که این نوع تسهیلات در بین بانک‌های بزرگتر تا اندازه‌ای کمیاب است، موارد استفاده از این خطوط می‌تواند با استفاده از فرضیات بدهی بانک مشخص شود. جایی که این نوع تسهیلات تابع شرایط ماده تغییرات نامطلوب قرار دارند ممکن است به ویژه در بحران‌های خاص بانکی از ارزش محدودی برخوردار باشند.

## 2- فعالیت‌های زیرخط ترازنامه

۵۰- یک بانک باید توان خود را برای جریان‌ات قابل ملاحظه وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های زیر خط ترازنامه (بجز تعهدات وامی که قبلاً منظور شده) بررسی کند. ماهیت احتمالی بیشتر ابزارهای خارج از ترازنامه به پیچیدگی مدیریت جریان‌ات نقد زیر خط ترازنامه می‌افزاید. به ویژه، در شرایط بحرانی، تعهدات زیر خط ترازنامه می‌توانند نقدینگی را با کسری شدید مواجه کنند.

۵۱- بدهی‌های احتمالی مثل اعتبارات اسنادی و تضمین‌های مالی، که بیانگر وجود ظرفیتهای بانک برای مصرف وجوه است، معمولاً به شرایط بانک بستگی ندارند. یک بانک ممکن است بتواند در شرایط عادی حد معمولی از جریان‌ات خروجی نقد داشته باشد و در مورد درجه افزایش این جریان‌ات طی دوره بحرانی نیز گمانه‌زنی نماید. البته یک بحران کلی بازار به دلیل افزایش نکول‌ها و ورشکستگی‌ها می‌تواند مقدمه‌ای برای افزایش برداشت‌های اعتبار اسنادی باشد.

۵۲- دیگر منابع بالقوه مصارف وجوه شامل معاملات سوآپ، معاملات تضمین شده اختیاری خارج از بورس<sup>۱</sup> سایر قراردادهای نرخ بهره و قراردادهای سلف نرخ ارز، مطالبه وثایق<sup>۲</sup> و قراردادهای فسخ شده زودتر از موعد است. از آنجا که محصولات ارزی و ابزارهای مشتقه خارج از بورس قراردادهای اصل به اصل<sup>۳</sup> هستند، طرف‌های مقابل نسبت

<sup>۱</sup> -Written over the Counter Options.

<sup>۲</sup> -Margin Calls.

<sup>۳</sup> - Principal to Principial Contract

نسبت به رتبه اعتباری بانک حساس می‌شوند و ممکن است در صورت کاهش رتبه اعتباری یا تنزل وضعیت اعتباری بانک، وثیقه‌ای درخواست کنند که به سهولت قابل تبدیل به نقد باشد.

#### **د- فرضیات دیگر**

۵۳- نگرش انتزاعی صرف به ابزارها ممکن است باعث نادیده گرفتن عواملی شود که می‌توانند تاثیر چشمگیری بر جریان وجوه بانک داشته باشند. بانک‌ها علاوه بر نیازهای نقدینگی برای گسترش فعالیت‌های تجاری، نیازمند وجوهی برای حمایت از عملیات و فعالیت‌هایشان هستند. برای مثال بسیاری از بانک‌های بزرگ به بانک‌های خارجی خدمات کارگزاری ارائه می‌کنند یا آن که برای بانک‌های داخلی و یا موسسات مالی امکان دسترسی به سیستم‌های پرداخت را ممکن می‌سازند. آنجا که بانک‌ها برای کارگزاران، به ویژه برای فعالیت‌های تجاری، خدمات تسویه ارائه می‌کنند، ارزش پرداخت‌هایشان به قدر کافی کلان است که بر نقدینگی کلی بانک پرداخت‌کننده تاثیرگذار باشد. اگرچه تاثیر عامل غیر قابل پیش‌بینی همچنان به قوت خود باقی است، ولی بانک باید از مشتریان خود بخواهد پرداخت‌هایشان را پیش‌بینی کنند تا بتواند برای کل نیازهای نقدینگی خود برنامه‌ریزی کند. در مورد وجوه دریافتی، کارگزار به ارسال مبلغ توسط فرستنده و به ترتیبی که پیش‌بینی می‌کند وابسته است اگر قبل از این که به موقع به بانک پرداخت‌کننده اطلاع داده شود در این برنامه‌ها تغییر صورت گیرد، پرداخت‌ها با تاخیر مواجه می‌شوند. در مورد جریان‌ات خروجی

(پرداخت وجوه) اگرچه پرداخت‌های اصلی بانک می‌تواند قبل از سررسیدهای بین روز انجام شده باشد، ممکن است بانک عواملی نیز برای کنترل زمان‌بندی پرداخت‌های طی روز خود داشته باشد. در هر حال، بانک کماکان نسبت به فسخ دستور پرداخت یا تاخیر در پرداخت به وسیله مشتری خود یا یک پرداخت غیر منتظره ضروری آسیب‌پذیر باقی می‌ماند.

۵۴- در سیستم‌های تسویه ناخالص پرداخت بر مبنای زمان واقعی (RTGS) ممکن است نوسانات غیر منتظره در الگوهای پرداخت مشتریان، بانک‌ها را ملزم کند به منظور انجام پرداخت‌ها و برای تامین وجوه اضافی مورد نیاز بین روز وام دریافت کنند. بسیاری از بانک‌های مرکزی عرضه وجوه بین روز را برای این منظور لازم دارند، هرچند که بعضی از بانک‌های مرکزی بانک‌ها را ملزم می‌کنند که برای دریافت وام وثیقه با کیفیت بالا ارائه کنند. در نتیجه، در این کشورها ممکن است لازم باشد بانک‌ها چنین اوراق بهادارای را نگهداری کنند تا بتوانند در مواقع ضروری آنها را به عنوان وثیقه به بانک مرکزی ارائه کنند یا با بانک مرکزی قراردادهای بازخرید<sup>۱</sup> این اوراق را منعقد نمایند.

۵۵- زمانی که مشتریان نتوانند به دقت وضعیتهای پایان روز خود را پیش‌بینی کنند بانک‌ها ممکن است در رابطه با حساب تسویه‌شان نزد بانک مرکزی با وضعیتهای غیر متوقعه‌ای مواجه شوند که با تاخیر همراه باشد. ممکن است، لازم

---

<sup>۱</sup> - Repurchase Agreement.

باشد بانک‌های پرداخت کننده وام دریافت دارند یا وجوهی را در بازار یک شبه بگذارند یا این که از تسهیلات یک شبه ارائه شده توسط بانک مرکزی استفاده کنند. اگر یک بانک نیازمند دریافت وام از بانک مرکزی باشد احتمال نیاز به وثیقه‌گذاری وجود دارد.

۵۶- علاوه بر این، خالص هزینه‌های سربار، مانند اجاره، حقوق و مالیات‌های پرداختنی، در کل اگرچه آن قدر قابل ملاحظه نیستند که در تجزیه و تحلیل نقدینگی بانک‌ها منظور شوند، ولی در برخی موارد می‌توانند منبعی برای جریان‌ات خروجی نقد محسوب گردند.

### مدیریت دسترسی به بازار

#### اصل هشتم:

هر بانک به منظور حفظ تنوع بدهکاران، باید به طور ادواری امور مربوط به ایجاد و حفظ روابط خود با صاحبان بدهی را مورد بررسی قرار دهد و هدفش این باشد که اطمینان یابد که تدابیر اتخاذ شده، امکان فروش دارایی‌ها را فراهم می‌کند.

۵۷- یک جزء حیاتی مدیریت نقدینگی، ارزیابی قابلیت دسترسی به بازار، شناخت امکانات مختلف موجود برای تامین وجوه است موضوع بسیار ساده است، یک بانک باید بداند در شرایط عادی و یا نامطلوب، چه مقدار از وجوه مورد انتظار را می‌تواند از طریق بازار تامین کند.

۵۸- لازم است مدیریت ارشد اطمینان حاصل کند که دسترسی بانک به بازار، به طور فعال توسط کارکنان مجرب اداره می‌شود. ممکن است مناسباتی بین بانک با طرف‌های مقابل تجاری، بانک‌های کارگزار، مشتریان

شرکتی و سیستم‌های پرداخت وجود داشته باشد ایجاد روابط مستحکم با کلیه تامین‌کنندگان عمده وجوه می‌تواند در زمان بروز مشکلات نقدینگی، خط دفاعی را ایجاد کند و این مهم، بخشی از انسجام مدیریت نقدینگی را نشان می‌دهد. بسامد ارتباطات و استفاده از منبع تامین مالی دو شاخص ممکن برای ارزیابی درجه استحکام رابطه تامین مالی است.

۵۹- تمرکز منابع تامین مالی ریسک نقدینگی را افزایش می‌دهد از این رو برای کنترل این موضوع که بدهی‌های بانک در حد کفایت متنوع هستند، لازم است درجه اتکای به منابع خاص تامین مالی در هر دو سطح انفرادی و جغرافیایی بازار و از نظر نوع ابزار، ماهیت تامین‌کنندگان وجوه مورد بررسی قرار گیرد. یک بانک باید تلاش کند، کاربرد تامین مالی بین شرکتی را برای یکایک دفاتر تجاری‌اش مشخص نموده و ارزیابی کند. بخش خزانه‌داری یا دیگر بخش‌های مخصوص دربانک باید مسئول کنترل انتخاب‌های مختلف برای تامین مالی و روندهای جاری در چنین گزینش‌هایی باشند. در تمام بانک‌ها، مدیریت ارشد دائماً باید به ترکیب، ویژگی‌ها و متنوع‌سازی منابع تامین مالی آگاهی داشته باشد.

۶۰- توسعه بازارها برای فروش دارایی‌ها یا جستجوی تریبانی که تحت آنها هر بانک بتواند در مقابل دارایی‌ها، وام دریافت کند از دیگر عوامل مدیریت دسترسی به بازار است شمول مواد فروش وام در مستندات وام و بسامد استفاده از بعضی بازارهای فروش دارایی دو شاخص ممکن برای ارزیابی توان بانک برای عملی کردن فروش دارایی‌ها در سناریوهای نامطلوب است.

## برنامه‌ریزی اقتضایی

اصل نهم:

یک بانک باید برنامه‌های اقتضایی را تدوین کند که راهکار آن را برای اداره بحران نقدینگی مشخص کند. این برنامه باید فرآیندهایی را برای جبران کسری‌ها در موقعیت‌های اضطراری شامل شود.

۶۱- توانایی یک بانک برای تامین به موقع و با هزینه معقول بخشی از فعالیت‌ها یا کلیه فعالیت‌هایش و مقاومت در برابر آشفتگی‌های مقطعی یا بلندمدت‌تر به کفایت برنامه‌های اقتضایی رسمی آن بستگی دارد. چون به عنوان یک منبع تامین مالی باثبات، هر قدر بانک‌ها کمتر و کمتر به سپرده‌های اصلی و بیشتر به منابع تامین مالی متکی باشند نیاز آنها به برنامه‌های اقتضایی حیاتی‌تر می‌گردد. برنامه‌های اقتضایی کارآمد باید برای دو سوال عمده ذیل پاسخ داشته باشند:

❖ آیا مدیریت برای اداره و کنترل بحران‌ها، راه کاری دارد؟

❖ آیا مدیریت رویه‌هایی برای دسترسی به منابع تامین مالی در شرایط اضطراری دارد؟ لازم است مدیریت ارشد به طور واقع بینانه با پاسخ به این سوالات مشخص کند که بانک چطور می‌تواند از عهده شرایط غیرعادی و نامطلوب برآید. علاوه بر این، ضروری است مدیریت رویدادهایی را که خود مقدمه‌ای برای اجرای برنامه‌های اقتضایی است، مشخص کند.

### الف- راهکارها

۶۲- به منظور مقابله با مشکلات نقدینگی، یک برنامه اقتضایی باید از چندین جزء

تشکیل شود مهم‌ترین آنها ایجاد هماهنگی مدیریتی است. لازم است یک برنامه اقتضایی رویه‌هایی را تشریح کند تا اطمینان حاصل شود که گردش اطلاعات، گماکان به موقع و بدون وقفه انجام گرفته و رویه‌های موجود اطلاعات دقیقی را که مدیریت ارشد برای تصمیم‌گیری سریع به آن نیاز دارد به وی ارائه می‌کند. مسئولیت‌ها باید به روشنی تفکیک شود، به طوری که کلیه کارکنان بدانند طی شرایط دشوار از آنها چه انتظاری می‌رود.

### ۶۳- عامل عمده دیگر این برنامه‌ها باید راهکاری باشد که به کمک آنها اقدامات

اصلی مربوط به اصلاح رفتارهای دارایی و بدهی انجام می‌شود. در عین حال که فرضیاتی می‌تواند وجود داشته باشد. مثل این که یک دارایی یا بدهی تحت شرایط عمده (که در فوق مورد بحث قرار گرفت) چگونه رفتار می‌کند، ممکن است بانک بتواند این ویژگی‌ها را تغییر دهد مثلاً ممکن است بانک به این نتیجه برسد که در یک شرایط بحرانی براساس فرضیاتش در مورد جریان‌ات آتی ورودی نقد از محل دارایی‌های قابل فروش و جریان‌ات خروجی نقد ناشی از فرار سپرده با کمبود نقدینگی مواجه می‌گردد. البته در چنین شرایط بحرانی ممکن است یک بانک بتواند با شدت بیشتری دارایی‌ها را به بازار عرضه کند یا دارایی‌هایی را بفروشد که در شرایط عادی فروخته نمی‌شدند و بدین ترتیب جریان‌ات ورودی نقد خود را بهبود بخشد.

### ۶۴- دیگر اجزای برنامه اقتضایی مستلزم حفظ مناسبات با مشتری با صاحبان بدهی،

وام‌گیرندگان، طرف‌های مقابل تجاری و اقلام زیر خط است. زمانی که



مشکلات بانک‌ها تشدید می‌شود آنها باید تصمیم‌گیری کنند که از کدام یک از دارایی‌های خود بگذرند. به طور نمونه بانک‌ها طرف‌دارایی‌های ترازنامه خود را به طور کامل بررسی می‌کنند و دارایی‌های را انتخاب می‌کنند که در شرایط نامطلوب با توجه به روابط کاری و افکار عمومی کمترین اثر تعیین‌کننده را بر سلامت بانک دارند (مثل سهام دولتی). در عین حال اهمیت روابط با بدهکاران در شرایط بحرانی بسیار افزایش می‌یابد، اگر راهکار بانک مدیران بدهی را ملزم کند طی دوران عادی، مناسبات مستمر و قوی را با طرف‌های مقابل، بدهکاران عمده برقرار نمایند بانک برای حفظ منابع تامین مالی خود در شرایط غیرمعمول، وضعیت بهتری خواهد داشت.

#### **ب- پشتوانه نقدی**

۶۵- برنامه‌هایی اقتضایی همچنین باید شامل رویه‌هایی برای بهبود کسری‌های جریان وجوه در شرایط نامطلوب باشند. بانک‌ها دارای چندین منبع قابل دسترسی وجوه برای خود هستند، از جمله تسهیلات اعتباری استفاده نشده پیشین. بسته به شدت مشکلات نقدینگی، یک بانک ممکن است انتخاب کند یا مجبور شود یک یا چند نوع از این منابع را مورد استفاده قرار دهد. برنامه اقتضایی باید حتی‌الامکان به روشنی وجوهی را که بانک از بین این منابع در اختیار دارد، مشخص کند و نیز تعیین نماید تحت چه سناریوهایی، بانک می‌تواند از آنها استفاده کند. بانک‌ها باید دقت کنند که بیش از حد به این خطوط پشتوانه نقدینگی<sup>۱</sup> متکی نباشند و لازم است شرایط متفاوت، مانند پیش‌آگهی‌های دوره‌ای<sup>۲</sup> را که می‌تواند بر توان بانک برای دستیابی سریع به این خطوط تاثیرگذار

---

<sup>۱</sup> - Back Up Liquidity.

<sup>۲</sup> - Periodic Notice.

باشد شناسایی کنند در واقع بانکها باید برای زمانهایی که خطوط پشتوانه آنها غیرقابل دسترسی است برنامه‌های اقتضایی داشته باشند.

۶۶- بانکها باید بررسی کنند تحت چه شرایطی و برای چه اهدافی آنها خطوط تامین مالی را تعهد نموده و بابت آنها کارمزد پرداخت می‌کنند همچنین مطالعه کنند در شرایط غیرعادی اگر برای دریافت تسهیلات غیر تعهدی با شکست مواجه شوند چه امکاناتی برای آنها فراهم خواهد بود.

## ۲- برنامه‌های تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار<sup>۱</sup>

۶۷- وجود ماده حق رجوع<sup>۲</sup> در قرارداد فروش دارایی‌ها، اعطای تسهیلات نقد به برنامه‌های تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار و استهلاك زود هنگام دارایی‌های اصلی در عملیات تبدیل به اوراق بهادار می‌تواند ریسک قابل ملاحظه‌ای را متوجه موسساتی نماید، که در بازارهای ثانویه، فعالیت‌های اعتباری انجام می‌دهند. موسسات باید اطمینان حاصل نمایند که برنامه‌های اقتضایی نقدینگی آنها کاملاً ریسک بالقوه ناشی از فعالیت‌های اعتباری بازارهای ثانویه را پوشش می‌دهد. با انتشار اوراق بهادار جدید با پشتوانه دارایی‌ها، بانک ناشر باید اثر بالقوه آن را بر نقدینگی بانک در آغاز هر معامله و نیز در طول اعتبار اوراق بهادار و برای تامین بهتر نیازهای آتی به وجوه تعیین نماید.

۶۸- برنامه‌های اقتضایی یک موسسه باید در صورت استهلاك زود هنگام اوراق بهاداری که پشتوانه آنها دارایی‌های در جریان است<sup>۳</sup>، نیاز به

<sup>۱</sup> - Securitisation.

<sup>۲</sup> - Recourse Provision

<sup>۳</sup> - Outstanding Asset – Backed Securities.

کسب وجوه جایگزین را مدنظر قرار داده و شقوق ممکن منابع تامین مالی را مشخص کند. این برنامه باید در نظر داشته باشد که شهرت موسسه ممکن است در برابر سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان لطمه ببیند استهلاک زود هنگام اوراق بهادار با پشتوانه دارایی، توان بانک را برای تامین مالی اش از طریق انتشار مجدد اوراق یا وام‌گیری با مانع مواجه می‌سازد.

### **بخش سوم – مدیریت نقدینگی پول‌های خارجی**

۶۹- در پی بروز مشکلات مالی در تعدادی از بازارها، در سال ۱۹۹۰، آشکار گردید که برای بانک‌های فعال در صحنه بین‌المللی، رفتار دارایی‌ها و بدهی‌ها بر مبنای چند پول، به دو دلیل لایه‌ای از پیچیدگی را به مدیریت نقدینگی می‌افزاید. اول، بانک‌ها، اغلب، شناخت کمی نسبت به بدهکاران خود در بازارهای پول خارجی دارند. بنابراین، در صورت وجود نگرانی‌هایی در بازار، به ویژه اگر این نگرانی‌ها مربوط به محیط عملیاتی در داخل بانک باشد ممکن است بانک‌ها نتوانند به خوبی و با سرعت مشتریان پول محلی بین شایعات و واقعیات تفکیک قائل شوند. دوم، این که در آشفتنی‌های مالی، برای یک بانک ممکن نیست بتواند همواره نقدینگی داخلی خود را تجهیز نموده و عملیات ارزی لازم برای تامین نیازهای خود به ارز را در زمان کافی انجام دهد این مسائل به ویژه برای بانک‌هایی اهمیت دارد که در پول‌هایی دارای وضعیت (Position) هستند که در بازار ارز در کلیه شرایط از قدرت نقدشوندگی بالایی برخوردار نمی‌باشند.

## مدیریت نقدینگی پول خارجی

اصل دهم:

هر بانک باید دارای یک سیستم اندازه‌گیری، مراقبت و کنترل وضعیت‌های نقدینگی برحسب پول‌های عمده‌ای باشد، که بر مبنای آنها فعالیت می‌کند. علاوه بر ارزیابی نیازهای کلی نقدینگی ارزی و عدم تطابق‌های قابل قبول در ترکیب پول خارجی با تعهدات آن برحسب پول محلی، یک بانک باید تجزیه و تحلیل مجزایی از راهکارش برای هر پول داشته باشد.

۷۰- در زمان معامله برحسب پول‌های خارجی، یک بانک در معرض خطر تغییر ناگهانی نرخ‌های ارز، نقدینگی بازار یا هر دو، قرارداد که این موارد می‌تواند به سرعت عدم تطابق نقدینگی را تشدید کند. این تغییرات در بازار ممکن است نتیجه عوامل داخلی و یا سرریز اثر تحولات سایر کشورها باشد. در هر دو حالت، ممکن است بانک دریابد که اندازه شکاف تامین مالی آن برحسب پول خارجی افزایش یافته است. علاوه بر این، دارایی‌های ارزی، خصوصاً زمانی که وام‌گیرندگان به اندازه کافی خود را در برابر ریسک ارزی پوشش نداده باشند ممکن است، آسیب ببینند. در بحران اواخر سال ۱۹۹۰ آسیا، اهمیت بانک‌هایی که به طور تنگاتنگ نقدینگی پول ارزی خارجی را بر مبنای روز به روز اداره می‌کردند به اثبات رسید.

۷۱- موضوعات خاصی که برای اداره نقدینگی ارزی مطرح می‌شود به طبیعت تجاری بانک‌ها بستگی دارد. برای بعضی از بانک‌ها استفاده از سپرده‌های ارزی و خطوط اعتباری کوتاه‌مدت، برای تامین مالی دارایی‌های برحسب پول

محلی، ناحیه اصلی آسیب‌پذیری است. در حالی که برای سایر بانک‌ها تامین مالی ارزی از محل منابع برحسب پول محلی ممکن است این طور باشد. مانند مدیریت کلی ریسک نقدینگی، نقدینگی برحسب پول خارجی باید تحت سناریوهای مختلف از جمله شرایط بحرانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

#### **الف - تامین مالی دارایی‌های برحسب پول محلی با پول خارجی**

۷۲- زمانی که پول‌های خارجی برای تامین مالی بخشی از دارایی‌های برحسب پول محلی مورد استفاده قرار می‌گیرند، لازم است بانک‌ها شرایط بازاری را که می‌توانند از طریق آن به پول خارجی دسترسی یابند تجزیه و تحلیل کنند و این مساله را در نظر گیرند که سپرده‌گذاران و وام‌دهندگان برحسب پول‌های خارجی ممکن است درصدد باشند وجوهشان را سریع‌تر از طرف‌های مقابل داخلی از بانک برداشت کنند. بانک‌ها همچنین باید منابع جایگزین تامین مالی برای بازپرداخت بدهی‌هایشان برحسب پول خارجی را مورد ارزیابی قرار دهند.

۷۳- اگر یک بانک فرض را بر این قرار می‌دهد که سپرده‌های آن برحسب پول محلی می‌تواند برای بازپرداخت بدهی‌های برحسب پول خارجی به آن پول تبدیل شوند در این صورت لازم است سناریوهای مختلفی را در رابطه با بازار ارز مورد بررسی قرار دهند. بانک‌ها باید به این موضوع توجه داشته باشند که ممکن است آنها برای دسترسی به بازارهای اصلی با مشکل مواجه شوند یا ممکن است بازارهای ارز فاقد نقدینگی باشند و یا نرخ ارز سریعاً کاهش یابد در این زمینه بانک‌ها منابع قابل ملاحظه‌ای به شکل خطوط

اعتباری ارزی برای تامین مالی در اختیار دارند. سپرده‌های عمده و جزء که بانک‌ها از آنها برای تامین دارایی‌های برحسب پول محلی استفاده می‌کنند نسبت به نوسانات نرخ ارز آسیب‌پذیرند و می‌توانند عدم تطابق فعلی نقدینگی را افزایش دهند.

۷۴- در بحران‌های کلی بازار، چنانکه این واژه وجود داشته باشد که کاهش ارزش پول، با توجه به عدم تطابق‌های پولی، به توان بانک برای بازپرداخت بدهی‌هایش از جمله به سپرده‌گذاران آسیب می‌رساند، هجوم برای برداشت پول می‌تواند مقدمه‌ای برای هجوم سپرده‌گذاران به بانک‌ها باشد. با این وجود، در این شرایط، اگر نرخ بهره به منظور حمایت از نرخ مبادله افزایش داده شود، مشتریان بانک مشکلات گردش وجوه نقد را تجربه می‌کنند که می‌تواند اثر نامطلوبی بر بازیافت وام‌های داخلی داشته باشد و در نتیجه به وخیم‌تر شدن وضعیت نقدینگی بانک منجر شود. افزایش نرخ‌های بهره، هزینه تامین منابع برحسب پول محلی را برای بانک‌ها افزایش خواهد داد.

#### **ب - تامین مالی دارایی‌های برحسب پول خارجی**

۷۵- هنگام اعطای وام برحسب پولی غیر از پول محلی، لازم است بانک‌ها به دقت ریسک‌های مختلف را مد نظر قرار دهند و مدیریت بانک باید ارزیابی جامع و محافظه‌کارانه‌ای در مورد دسترسی احتمالی به بازارهای ارز و قابلیت تسعیر احتمالی پول‌هایی که بانک برحسب آنها فعالیت می‌کند، انجام دهد و سناریوهای مختلفی را که امکان تغییر منابع تامین مالی از یک

پول به پول دیگر را داشته باشد، در نظر گیرد. همچنین لازم است بانک‌ها طیفی از سناریوهای ممکن برای نرخ‌های ارز داشته باشند، حتی اگر در وضعیت فعلی، پول تثبیت شده یا ثابت نگه‌داشته شده باشد. در بسیاری از موارد هنوز یک راهکار ساده برای مواجهه با این موضوع این است که یک موسسه همیشه معادل بدهی‌های ارزی خود دارایی‌های ارزی نگهداری نماید.

۷۶- بانک‌های داخلی که به وام‌گیرندگان داخلی وام‌های ارزی اعطا می‌کنند آن طور که بحران جنوب شرقی آسیا نشان داده است، از چند جنبه آسیب‌پذیرند. در صورت کاهش ناگهانی ارزش پول وام‌گیرندگان داخلی، ممکن است آنها توانایی بازپرداخت اصل و بهره وام‌های ارزی خود را نداشته باشند و باعث ایجاد مشکلاتی در گردش وجوه بانک وام‌دهنده گردند. بانک‌ها باید به دقت حد اکسپوزرهای ارزی که توسط وام‌گیرندگان ایجاد می‌شود، الگوی این اکسپوزرها در بین وام‌گیرندگان و حدی را که وام‌گیرندگان برای بازپرداخت اصل و فرع بدهی به درآمدهای ارزی دسترسی دارند بررسی کنند.

۷۷- لازم است وام‌دهی بانک‌های خارج از کشور در یک بازار خاص و برحسب پول داخلی از نظر نحوه تأثیرپذیری احتمالی آن در شرایط نامطلوب خاص مورد بررسی قرار گیرند. ممکن است سپرده‌های داخلی قابل تجدید نباشند. ممکن است بانک در شرایط برداشت منابع برحسب پول کشور میزبان راهکار تامین و تبدیل یا تعویض آن با پول محلی را اتخاذ کند تا در صورت لزوم بدهی سپرده‌گذاران در بازار را پرداخت نماید.

بانک‌ها باید حدی را مشخص کنند که در آن حد، در صورت بروز بحران در بازار محلی، بتوانند وجوه را به پول محلی تبدیل کنند.

۷۸- ممکن است بانک تصمیم‌بگیرد بخش اصلی نقدینگی مورد نیازش را با ترکیبی از اسعار اصلی به نحوی انتخاب کند که تضمینی جداگانه برای پشتوانه نقدینگی‌اش باشد. در این مورد، خزانه‌دار دفتر مرکزی یا منطقه‌ای، برای هر پول راهکار اقتضایی را طرح‌ریزی می‌کند و برحسب آن پول‌ها، تامین‌های مجدد اعتباری واگذار نماید<sup>۱</sup>، خطوط اعتباری حمایتی لازم است در مورد قابلیت دسترسی به این نوع تضمین‌های نقد در شرایط نامطلوب ارزیابی به عمل آید.

#### اصل یازدهم:

باتوجه به تجزیه و تحلیل انجام شده براساس اصل ۱۰، یک بانک باید، هر جا که مناسب است، حدودی را (برای پول‌های خارجی بطور کلی و برای هر پول که بانک برحسب آن فعالیت می‌کند، بطور انفرادی) برای اندازه و عدم تطابق جریانات نقد، طی یک افق زمانی خاص تعیین کند و آن حدود را بطور مرتب مورد بازنگری قرار دهد.

۷۹- بانک‌ها باید تأثیر احتمالی سناریوهای مختلف بحران ناشی از سقوط ارزش پول را بر وضعیت نقدینگی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. این نکته به ویژه در رابطه با وضعیت پول‌هایی حائز اهمیت است که از قابلیت نقدشوندگی بالایی برخوردار نیستند اگرچه لازم به یادآوری است که در شرایط

---

<sup>۱</sup> - Back Stop Facility.



بحرانی حتی پول‌هایی که به نظر با ثبات و برخوردار از قدرت نقدشوندگی به نظر می‌رسند ممکن است به سادگی برای بازپرداخت سپرده‌های ارزی قابل تبدیل نباشند. بانک‌ها باید تصمیم‌گیری کنند که برای کدام پول‌ها باید حدودی را مشخص کنند و این رویکرد را به طور مرتب تحت بررسی قرار دهند. ناظرین بانکی می‌توانند در جریان این فرآیند قرار گیرند.

۸۰- یک بانک، نوعاً می‌تواند حداقل عدم تطابق‌ها را برای نقدینگی ارزی نسبت به حدی که برای پول داخلی مجاز شمرده شده است، داشته باشد. اندازه عدم تطابق پول‌های خارجی باید متناسب با توان بانک‌ها برای افزایش وجوه در بازارهای پول‌های خارجی و حد احتمالی تسهیلات (خطوط اعتباری) پشتوانه‌ای<sup>۱</sup> در بازار داخلی باشد.

### کنترل‌های داخلی برای مدیریت ریسک نقدینگی

اصل دوازدهم:

هر بانک باید یک سیستم مناسب کنترل‌های داخلی ناظر بر فرآیند مدیریت ریسک نقدینگی داشته باشد. ترکیب اساسی سیستم کنترل داخلی مستلزم بازنگری‌های مستقل منظم و ارزیابی کارآیی سیستم است و هر جا لازم است باید نسبت به انجام تجدیدنظرهای مناسب یا ارتقای کنترل‌های داخلی اطمینان حاصل شود. نتیجه این بازنگری‌ها باید در اختیار مقامات نظارتی قرار گیرد.

۸۱- بانک‌ها باید دارای یک کنترل داخلی مناسب برای مراقبت از درستی

---

<sup>۱</sup> - Back Up Facility.

فرآیند مدیریت ریسک نقدینگی باشند. کنترل‌های داخلی باید جزء لازم سیستم کلی کنترل داخلی باشد که عملیات کارآ و اثربخش را تقویت نموده، امور مالی گزارش‌دهی قابل اعتماد و منظم و مطابقت با قوانین و مقررات مربوطه و سیاست‌های بنیادی را تقویت کند.

یک سیستم کارآی کنترل داخلی برای ریسک نقدینگی شامل:

- ❖ کنترل شدید محیطی
- ❖ فرآیندی کافی برای شناسایی و ارزیابی ریسک نقدینگی
- ❖ انجام فعالیت‌های کنترلی مانند سیاست‌ها و رویه‌ها
- ❖ سیستم‌های اطلاعات مناسب و ،
- ❖ بازنگری مستمر پایبندی به خط‌مشی‌ها و رویه‌ها

۸۲- در رابطه با خط‌مشی‌ها و رویه‌های کنترلی، باید به فرآیند مناسب تصویب، حدود، بازنگری‌ها و دیگر ساز و کارهای طراحی شده، توجه شود تا یک سیستم مطمئن و منطقی ایجاد شود که اهداف مدیریت ریسک نقدینگی را تحقق بخشد. بسیاری از نشانه‌های فرآیند مدیریت ریسک نقدینگی مناسب از جمله اندازه‌گیری، مراقبت و وظایف کنترلی، جنبه‌های کلیدی یک سیستم کارآی کنترل داخلی است. بانک‌ها باید اطمینان حاصل کنند همه جنبه‌های کنترل داخلی از جمله بخش‌هایی که مستقیماً بخشی از فرآیند مدیریت ریسک محسوب نمی‌شوند کارآ هستند.

۸۳- علاوه بر این، یکی از مهم‌ترین عوامل سیستم کنترل داخلی بانک‌ها برای

فرآیند مدیریت ریسک نقدینگی آنها ارزیابی و بازنگری منظم است. حصول اطمینان نسبت به رعایت قوانین و مقررات توسط کارکنان و نیز اطمینان از این که رویه‌های ایجاد شده اهداف مورد نظر را تامین می‌کند از آن جمله است این ارزیابی‌ها و بازنگری‌ها باید هرگونه تغییر حائز اهمیتی را که ممکن است بر اثربخشی کنترل‌ها تاثیرگذار باشد مشخص کند. مدیریت باید اطمینان حاصل کند که کلیه بازنگری‌ها و ارزیابی‌ها به طور مرتب توسط افرادی انجام شود که مستقل از بخش بررسی هستند. زمانی که تجدید نظر یا ارتقای کنترل‌های داخلی در دستور کار قرار می‌گیرد باید با اعمال ساز و کاری، اطمینان حاصل گردد که این کار به موقع انجام می‌شود.

۸۴- اگرچه رویه‌های تعیین حدود و انجام فعالیت‌ها در محدوده مقرر، در بین بانک‌ها متفاوت است ولی بازنگری‌های دوره‌ای باید انجام شود تا مشخص گردد که آیا موسسه با خط مشی‌ها و رویه‌های ریسک نقدینگی منطبق است. وضعیت‌هایی که از حدود تعیین شده تخطی کرده باشند، باید مورد توجه فوری مدیریت مربوط قرار گیرند و مطابق با فرآیندهای تشریح شده در خط‌مشی‌های مصوب اصلاح شوند. بازنگری‌های دوره‌ای فرآیند مدیریت نقدینگی باید هرگونه تغییر معنی‌داری را که از زمان آخرین بررسی، در ماهیت ابزارهای تحت مالکیت، محدودیت‌ها و کنترل‌های داخلی رخ می‌دهد مورد توجه قرار دهد.

۸۵- وظیفه حسابرسی داخلی است که به منظور شناسایی کاستی‌ها و مشکلات، به طور دوره‌ای فرآیند مدیریت نقدینگی را مورد بررسی قرار دهد. به نوبه خود

این کار باید توسط مدیریت به روشی موثر و به موقع انجام گیرد.

### نقش افشای اطلاعات برای بهبود نقدینگی

اصل سیزدهم:

هر بانک برای حصول اطمینان نسبت به کفایت سطح افشای اطلاعات باید به منظور کنترل افکار عمومی نسبت به بانک و اعتبار آن سازوکاری داشته باشد.

۸۶- افشای اطلاعات برای عموم یکی از مهم‌ترین عوامل در مدیریت نقدینگی می‌باشد. تجربه نشان داده است زمانی که جریان اطلاعات درباره یک بانک به طور مستمر وجود داشته باشد کنترل افکار عمومی بازار طی دوران بحرانی آسان‌تر است. بانک‌ها باید اطمینان حاصل کنند که حجم کافی اطلاعات به طور مستمر به عموم مردم به ویژه به بستانکاران و طرف‌های مقابل عرضه می‌شود.

۸۷- به عنوان بخشی از برنامه‌ریزی اقتضایی، بانک‌ها باید تصمیم‌گیری کنند و زمانی که اطلاعات منفی در مورد بانک انتشار می‌یابد، چگونه با مطبوعات و رسانه‌های جمعی مواجه شوند. بصیرت و تیزبینی روابط عمومی می‌تواند به بانک کمک می‌کند تا با شایعاتی که می‌تواند منجر به هجوم سپرده‌گذاران خرد و نیز سرمایه‌گذاران نهادی برای خروج سپرده‌هایشان گردد، مقابله نمایند. برای مثال، اگر درباره یک بانک مطالب ناخوشایندی انتشار یابد، بانک باید آماده باشد در اسرع وقت اقدامات اصلاحی لازم را انجام دهد. این کار

به کاهش اضطراب شرکت کنندگان در بازار کمک می‌کند و حاکی از این است که در بالاترین سطوح مدیریت نسبت به مشکلات موجود دقت نظر وجود دارد.

### نقش ناظرین بانکی

#### اصل چهاردهم:

ناظرین بانکی باید ارزیابی مستقلی از راهکارها، سیاست‌ها، رویه‌ها و عملکردهای مرتبط با مدیریت نقدینگی داشته باشند و بانک‌ها را ملزم نمایند که سیستم کارآیی را برای اندازه‌گیری، مراقبت و کنترل ریسک نقدینگی ایجاد کنند. ناظرین بانکی، همچنین باید از هر بانک اطلاعات کافی و به هنگام را دریافت نمایند تا به کمک آنها سطح ریسک نقدینگی را ارزیابی کنند. آنها باید متقاعد شوند که بانک برای نقدینگی خود برنامه‌های اقتضایی کافی دارد.

۸۸- ناظرین بانکی باید تاکید کنند که فرآیند مدیریت ریسک داخلی بازتاب‌دهنده اصول ۱۳ گانه مطروحه در این سند می‌باشد و اینکه این فرآیندها در عمل رعایت می‌شوند. به منظور انجام ارزیابی مستقل از راه کارها، خط‌مشی‌ها، رویه‌ها و شیوه‌های بانک، ناظرین بانکی باید اثربخشی مدیریت خالص وجوه بانک را تحت سناریوهای مختلف مورد بررسی قرار دهند. برای درک این مطلب که مدیریت ارشد مسئولیت نهایی اجرای فرآیند مدیریت کارآی ریسک نقدینگی را عهده‌دار است. ناظرین بانکی باید

تعیین کنند که این گروه‌ها به طور فعال درگیر فرآیند مدیریت نقدینگی بوده و به موقع و به حد کفایت اطلاعات را با جزییات لازم دریافت می‌کنند تا ریسک نقدینگی بانک را شناسایی و ارزیابی کنند.

#### ۸۹- ناظرین بانکی همچنین باید برای گمانه‌زنی خالص نیازهای نقد آتی، اثربخشی

فرآیند اندازه‌گیری و مراقبت ریسک نقدینگی بانک را از طریق بررسی تکنیک‌ها و فرضیات مربوط مورد مطالعه قرار دهند. در این رابطه، ناظرین بانکی باید منطقی بودن سناریوهای مختلف "چنانچه اگر" را مدنظر قرار دهند. ناظرین بانکی باید اطمینان حاصل کنند که مدیریت ارشد فرضیات کلیدی را بررسی می‌کند تا استمرار اعتبار فرضیات را از نقطه‌نظر شرایط فعلی و نیز تغییرات بالقوه بازار تعیین کنند. ممکن است ناظرین بانکی مفید بدانند که معیارهایی را برای مدیریت ریسک نقدینگی یا دستورالعمل‌هایی را مثلاً برای مفهوم دارایی‌های نقد و طرز عمل تعهدات برداشت نشده<sup>۱</sup>، تعیین کنند. فقط دارایی‌های نقد باید در محاسبه عدم تطابق‌های نقدینگی یا نسبت‌ها منظور شوند.

#### ۹۰- ناظرین بانکی می‌توانند تایید کنند که دستورالعمل‌های نقدینگی بر مبنای

روز به روز رعایت می‌شوند. برای این منظور گزارش‌دهی استاندارد می‌تواند مورد استفاده قرارگیرد که با گزارش‌های مدیریت قابل تکمیل است. این گزارش‌ها نه تنها پایبندی بانک را به حدود کوتاه مدت

---

<sup>۱</sup> - Undrawn Commitments.

پوشش می‌دهند بلکه اطلاعات کافی را در اختیار ناظرین بانکی قرار می‌دهد تا نقدینگی بانک را در بلندمدت تحت مراقبت قرار دهند.

۹۱- زمانی که معاملات ارزی بانک یک معضل است یا وقتی که یک پول با مشکل مواجه است ناظرین بانکی باید بانک را ملزم نمایند وضعیت‌های نقد خود را در هر پول و اکسپوزر کلی آنها نسبت به پول خارجی به آنها گزارش کنند. گزارش اکتبر سال ۱۹۹۸ گروه ۲۲ تحت عنوان "گزارش کارگروه در مورد تقویت سیستم مالی" توصیه می‌نماید زمانی که ناظرین بانکی دستورالعملی درباره مناسب بودن عدم تطابق هر پول خارجی ارائه می‌کنند، باید در نظر داشته باشند که این دستورالعمل‌ها برای شکاف عدم تطابق نقدینگی پول خارجی در کل بخش بانکی اعمال شود. ناظرین بانکی باید به اندازه این شکاف کلی نسبت به توانایی بانک مرکزی برای ارائه ارز توجه داشته باشند. این گزارش توصیه می‌کند در اقتصادهایی که به طور بالقوه در معرض بی‌ثباتی قابل توجه قرار دارند، خط مشی ناظر بانکی می‌تواند حصول اطمینان نسبت به این باشد که کل عدم تطابق پول خارجی برای سیستم بانکی یک کشور طی یک دوره زمانی مثلاً ۶ ماهه بیش از مجموع ذخایر ارزی و تسهیلات ذخیره‌ای قابل ارائه به مقامات باشد.

۹۲- ناظرین بانکی باید ریسک نقدینگی بانک را در رابطه با کفایت سرمایه آن در نظر گیرند. بدین منظور لازم است آنها اطلاعات کافی و به موقع را که با آن ریسک نقدینگی را ارزیابی می‌کنند، کسب نمایند. بسته به موقعیت خاص، واکنش‌های مناسب ناظرین بانکی نسبت به ریسک نقدینگی بالاتر، ممکن است

الزام بانک به نگهداری سطوح بالاتر سرمایه یا تغییر وضعیت دارایی‌های پرتفوی یا ترتیبات تامین مالی برای کاهش ریسک نقدینگی باشد. به عنوان بخشی از فرآیند بازرسی، ناظرین بانکی ممکن است الزامات مقرراتی برای حدود اصلی نقدینگی یا نسبت‌ها در نظر گیرند.

۹۳- یکی از جنبه‌های اساسی فرآیند مدیریت مناسب ریسک نقدینگی وجود یک سیستم کارای کنترل‌های داخلی است. در این رابطه ناظرین بانکی باید فرآیند کنترل داخلی را مورد بررسی قرار دهند تا اطمینان حاصل کنند که بررسیهای مستقل به طور منظم انجام می‌شود و تجدیدنظرهای مناسب و به موقع در مورد کنترل‌های داخلی صورت می‌گیرد.

۹۴- ناظرین بانکی باید برای رویارویی با مشکلات نقدینگی در سطح یک بانک یا در بازار به صورت کلی برنامه اقتضایی خاص خود را داشته باشند. به منظور اجرای کارآمد برنامه‌های اقتضایی لازم است ناظرین بانکی اطلاعات به موقع و دقیقی را از بانک‌ها در شرایط بحرانی کسب کنند، یک بانک باید به محض آگاهی از بروز مشکلات نقدینگی با ناظرین بانکی (کشور اصلی یا کشور میزبان) و بانک مرکزی تماس حاصل نمایند.



**ماخذ:**

**Sound Practices for Managing Liquidity in Banking Organizations, Basel Committee on Banking Supervision, BIS, February ۲۰۰۰**

استفاده از مطالب این مجموعه با ذکر ماخذ بلامانع است.